

The verse of *Sukārā* and its Central Role in Confrontation between the two Theories of Instant and Gradual Prohibition of Wine

Yaqub Barzegar Shani¹
Sayyid Muhammad Naqib²
Mehdi Davari³

Abstract

The way wine was prohibited from the viewpoint of the Qur'an and the central role of the verse of *sukārā* in this regard, led to the confrontation of two views on the gradual and instant prohibition of wine. The findings of the research, with a library study and analytical-descriptive method, indicate that *sukr-i nawm* (sleep intoxication) in the meaning of *sukārā* in the theory of the instant prohibition of wine, is provable with Qur'anic reasons and narrative and rational evidence. In contrast, the view of wine intoxication in the verse, which is also the basis of the theory of gradual prohibition, its incompatibility with the verses of the Qur'an was proved in terms of content contradiction. By criticizing the wine intoxication in the meaning of *sukārā*, all the revelation occasions in the theory of gradual prohibition in Sunni interpretations, with the aim of defending wine drinking of some and the unjust accusation of others, are thematically beyond the scope of this verse with the incorrect justification of non-prohibition of drinking wine until the revelation of the verse. Among the impacts derived from the theory of instant prohibition, in addition to the inexcusability of drinking wine by some companions in Medina, is the separation of the announcement of wine prohibition in Mecca and the delay in the implementation of the legal punishment of drinking wine in Medina, which besides creating a strong motivation to quit, was also a kind of Islamic method of educational tolerance.

Keywords: instant prohibition, gradual prohibition, wine intoxication, sleep intoxication.

1. (Corresponding Author) Ph.D. Student, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an, Qum; Faculty Member of Imam Husayn University.

2. Associate Professor, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an, Qum.

3. Assistant Professor, University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an, Qum.



آیه «سکاری» و نقش محوری آن در تقابل دو نظریه حرمت دفعی و تدریجی شراب*

یعقوب برزگر شانی^۱

سید محمد نقیب^۲

مهدی داوری^۳

چکیده:

چگونگی تحریم شراب از منظر قرآن و نقش محوری آیه «سکاری» در این خصوص، منجر به تقابل دو دیدگاه در تحریم تدریجی و دفعی شراب گردید. یافته‌های پژوهش، با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی، بیانگر این است که سکر نوم در معنای سکاری در نظریه حرمت دفعی شراب، با دلایل قرآنی و مؤیدات روایی و عقلی قابل اثبات است. در مقابل، دیدگاه سکر شراب در آیه که اساس نظریه تحریم تدریجی نیز است، ناسازگاری آن با آیات قرآن به جهت تناقض محتوایی ثابت گردید. با نقد مستی شراب در معنای سکاری، همه شأن نزول‌ها در نظریه تدریجی در تفاسیر عامه، به قصد دفاع از شرابخواری برخی و نسبت ناروا به برخی دیگر، با توجیه نادرست عدم تحریم شراب تا نزول آیه، موضوعاً از این آیه خارج‌اند. ازجمله آثار مترتب بر نظریه تحریم دفعی، اضافه بر توجیه ناپذیری شرابخواری برخی صحابه در مدینه، تفکیک اعلام حکم تحریم شراب در مکه و تأخیر اجرای حد شرابخواری در مدینه است که اضافه بر ایجاد انگیزه قوی در ترک، نوعی روش مدارای تربیتی اسلام نیز بوده است.

کلیدواژه‌ها:

تحریم دفعی، تحریم تدریجی، سکر خمر، سکر نوم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2024.66563.3755

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم؛ عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

a.shani110@chmail.ir

(نویسنده مسئول)

amin200057@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

maddavari@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

بیان مسأله

مسأله تحریم شراب در اسلام از مسلمات دینی و قرآنی است، که دلایل عقلی و نقلی بسیاری برای اثبات آن ارائه شده است. باین حال، بررسی چگونگی تحریم شراب از دیدگاه آیات قرآن به تقابل دو دیدگاه در تحریم تدریجی شراب در جهان اسلام و نظریه حرمت دفعی آن می‌انجامد. توجه به شأن نزول و تفسیر آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء: ۴۳)، اساس و محور تقابل دو دیدگاه در تحریم شراب است. نظریه مشهور جهان اسلام در تحریم تدریجی شراب بر این مبناست که مراد از «سکاری» در این آیه، مستی شراب است و در مقابل، نظریه حرمت دفعی شراب بر این پایه استوار است که مراد از «سکاری» در این آیه، مستی خواب است. این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا تفسیر آیه «سکاری» می‌تواند مبنایی برای تقابل دو دیدگاه تحریم تدریجی یا دفعی شراب باشد، یا آیه «سکاری» نسبت به شراب، خروج موضوعی دارد؟

اهمیت و ضرورت

در نظریه پردازی قرآنی، دستیابی به نظریه درست که هم مخالف آیات الهی نباشد و هم عاری از هرگونه تناقض محتوایی باشد، اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر این نظریه که مراد از «سکاری» در آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء: ۴۳) مستی خواب است، با دلایل و قرائن قرآنی و روایی به اثبات برسد، و نیز اگر بپذیریم که حرمت دائمی، قطعی و مطلق شراب پیش از این در سوره‌های مکی و نیز در اولین سوره مدنی (بقره) اعلان شده است، ضرورت پژوهش پیش‌رو از وجوه گوناگونی روشن می‌شود:

اولاً حکم به مستی شراب در مفهوم «سکاری» در دیدگاه تدریجی - که ادعای اجماع نیز بر آن شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶؛ ۱۰: ۸۵) - افزون بر ناسازگاری با دیگر آیات قرآن، تناقض محتوایی دارد؛ به این بیان که باورمندان به این دیدگاه، از یک‌سو برای توجیه نظریه تحریم تدریجی - بنا بر قانون عقلی تدریج - تصریح می‌کنند که در آغازین مرحله، مستی شراب به شهادت آیه «سکاری» فقط در وقت نماز حرام شد و این در حالی است که آیه «سکاری» در ششمین سوره مدنی در نساء آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷: ۲۳) و از سوی دیگر، با نقض قانون تدریج و تصریح به اینکه سوره بقره به اجماع از اولین سوره‌های مدنی است، بر این باورند که حرمت دائمی، قطعی و همه‌جانبه شراب



به شهادت آیه ۲۱۹ بقره و نیز در آیات مکی (برای نمونه: نجم: ۳۲، اعراف: ۳۳ و شوری: ۳۷) ثابت است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۹۹/۲۳)

ثانیاً غالب تفاسیر عامه قائل به حلیت شراب و عدم حرمت آن تا نزول آیه «سکاری» می‌باشند. (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵-۲۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۹/۱ و ۵۱۳) اما در مقاله پیش‌رو به اثبات خواهد رسید که این نگاه برداشتی ناصواب از آیات و نسبتی نادرست به قرآن است.

ثالثاً با اثبات فرضیه فوق در مقاله پیش‌رو، مبنی بر اینکه مراد از «سکاری» در آیه مذکور مستی خواب است نه مستی شراب، شأن نزول‌های جعلی پیرامون این آیه در تفاسیر عامه با توجیه عدم حرمت شراب تا نزول آیه «سکاری»، که در آن به صحابی معصوم، امام علی علیه السلام، نسبت شرب خمر داده شده است (مکی‌بن حموش، ۱۴۲۹: ۱۳۳۸/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۱۶۵/۲)، خروج موضوعی از این آیه دارند؛ افزون بر اینکه علمای عامه بر عصمت آن حضرت تصریح دارند: «عَلَى أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام معصوم... أدلة النصوص قد دلت على عصمته». (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۶: ۳۷۵)

رابعاً طرح اولیه نظریه حرمت تدریجی شراب از سوی عامه براساس شأن نزول‌های جعلی پیرامون آیه «سکاری» با اصل اجماع ناصواب عدالت همه صحابه نزد آنها (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۱)، تنها راهی برای گریز از اعتراف به فسق برخی صحابه بوده است^۱ که تصریح ابوحنیفه در این باره مؤید صدق این مدعاست: «لأنّ فيه تفسیق بعض الصحابه» و شرابخواری برخی صحابه تا نزول آیه تحریم از مسلمات تاریخی است و اساس شکل‌گیری نظریه تدریجی با این واقعیت تاریخی قابل توجیه است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶، ۸۵/۱۰) و این مطلب آن‌قدر واضح و روشن بوده که آیات ۹۰ و ۹۱ مائده، آنان را با این استفهام توبیخی «فَهَلْ أَنْتُمْ مُّتَّبِعُونَ» مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۴/۶؛ ابن‌عابدین، ۱۴۲۳: ۳۳/۱۰) توجه به شأن نزول‌ها و جمله معروف خلیفه دوم (انتهینا انتهینا) در پاسخ به این آیه شریفه - که در تفاسیر عامه مشهور است - مهر تأییدی بر این واقعیت تلخ تاریخی است که تا آن زمان شراب می‌نوشیدند. (ر.ک: ماوردی، بی‌تا: ۴۸۹/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۰/۵؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲؛ غزالی، ۱۴۲۲: ۴۲۵/۱؛ ابشهی، ۱۴۰۱: ۴۷۰)

گرچه تاکنون هیچ اثر مکتوبی از کتاب، رساله و مقاله تحت عنوان بررسی محوریت آیه «سکاری» در شکل‌گیری دو دیدگاه تحریم دفعی و تدریجی خمر تدوین نشده است، اما آثار مکتوب مرتبط با بحث از تحریم تدریجی خمر یا دفعی آن وجود دارد. برای نمونه، یک مقاله انتقادی با عنوان «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر» (ایروانی نجفی و شاه‌پسند، ۱۳۹۰) و یک پایان‌نامه سطح سه حوزوی با عنوان «حلیت یا حرمت ابتدایی شرب خمر» (علی میری، ۱۳۹۵) نگاشته شده است. در عین حال، مقاله پیش‌رو از جنبه‌های زیر اثری جدید به‌شمار می‌آید:

- دیدگاه مرادبودن مستی خواب در معنای «سکاری» در آیه ۴۳ سوره نساء با اثبات نظریه دفعی، دیدگاهی جدید و مقاله‌ای اثباتی است، نه انتقادی.

- در مقاله پیش‌رو اثبات شده که آیه «سکاری» محور و اساس شکل‌گیری دو دیدگاه در تحریم شراب است و نیز اثبات شده که حرمت دائمی و همه‌جانبه شراب با دلایل عقلی و نقلی -از جمله آیات و مؤیدات صحیح روایی- در مکه اعلام شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵)، درحالی که در چکیده مقاله «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر» به‌صراحت بر اثبات دیدگاه اعلام حرمت خمر در اوایل هجرت حضرت رسول اکرم ﷺ در مدینه تأکید دارد و پایان‌نامه «حلیت یا حرمت ابتدایی شرب خمر» به دیدگاه تلفیقی در جمع آرای علامه طباطبائی می‌رسد (علی میری، ۱۳۹۵: ۸۶)؛ درحالی که علامه بارها به حرمت تدریجی خمر تصریح کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۲، ۱۱۷/۶).

- اساسی‌ترین نقد وارد بر نظریه تدریجی، تناقض محتوایی آن است که در مقاله پیش‌رو و نیز به تفصیل در رساله دکتری (برزگرشانی، ۱۴۰۱: ۱۰۱) به آن پرداخته شده است، درحالی که در آن دو اثر هیچ اشاره‌ای به این موضوع محوری نشده است.

بدین ترتیب، مقاله پیش‌رو با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی، در صدد است تا بعد از اثبات محوری بودن و اساس بودن آیه «سکاری» در تقابل دو دیدگاه تحریم تدریجی و دفعی خمر، نقد دیدگاه مرادبودن مستی شراب و صحت دیدگاه اراده مستی خواب در معنای «سکاری» در این آیه را به اثبات برساند.



۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدا، واکاوی لغوی برخی از واژگان پرکاربرد و وجه ارتباط آنها با هدف مقاله ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. مفهوم سکاری

بررسی مفهوم «سکاری» به سبب بحث محوری آیه «سکاری»، مورد نظر این نوشتار است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء: ۴۳).

«سکاری» جمع سکران و نیز سکری از سُکر (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۳/۴؛ کشی، ۱۳۶۳: ۷۵۶/۲)، در لغت به معنای ضد هوشیاری و بسته شدن سرچشمه آب آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۰۹/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۹/۳) بنابراین هرآنچه موجب بسته شدن مجاری ادراکی و ازکارافتادن هوشیاری و تعقل آدمی می‌شود، همچون شراب و خواب‌آلودگی، «سکر» نامیده می‌شود. اما اینکه مراد از «سکاری» در این آیه سکر خمر و مستی شراب است یا سکر نوم و مستی خواب، در ادامه، با دلایل و قرائن روشن خواهد شد.

۲-۱. مفهوم اِثم

با توجه به اینکه از شراب در قرآن کریم به «اِثم کبیر» نام برده شده است و می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره: ۲۱۹) و کلیدواژه «اِثم» در این نوشتار بارها به کار رفته است، مناسب دیده شد که مفهوم‌شناسی اِثم ذکر شود.

تناسب به کارگیری «اِثم» درباره شراب با معنای لغوی اش این است که «اِثم» در لغت به معنای کندی و تأخیر است و به شتر ماده‌ای که عقب افتاده، «ناقة اِثمه» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۱) و از آنجا که شراب بیش از هر چیز دیگر باعث کندی عقل و ازکارافتادگی ادراک آدمی می‌شود، در عرب جاهلی به «اِثم» معروف بوده است، چنان‌که شعر زیر با استعمال اِثم در معنای شراب، از اخفش و ابن‌الانباری نقل شده است:

شربت الإثم حتّى ضلّ عقلى كذلك الإثم تفعل بالعقول

(طوسی، ۱۴۱۷، ۴: ۳۹۰)

۱-۳. مفهوم خمر

«خمر» در اصل به معنای پوشاندن چیزی است: «خمرتُ البیت: أی سترته». (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۳/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۲۹۸) بنابراین به مقنعه و آنچه زن‌ها با آن سرشان را می‌پوشانند، خمار گویند: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱). بر این اساس در آیات قرآن از شراب به خمر یاد شده است (بقره: ۲۱۹؛ مائده: ۹۰)؛ زیرا عقل را می‌پوشاند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۰/۴) و چیزی به اندازه شراب، با پوشش روی عقل، آن را از کار نمی‌اندازد.

۲. بررسی محوریت آیه «سکاری» در نظریه تحریم دفعی و تدریجی شراب

در ارتباط با تفسیر «سکاری» در آیه ۴۳ سوره نساء، دو دیدگاه وجود دارد که یکی از آنها مراد بودن مستی شراب است؛ دیدگاهی که اساس و سنگ بنای نظریه حرمت تدریجی خمر است. دیدگاه دیگر اراده مستی خواب است که اساس نظریه تحریم دفعی خمر است. بنابراین هریک از دو دیدگاه تحریم دفعی و تدریجی شراب بر تفسیر «سکاری» در این آیه استوار است.

۲-۱. اراده معنای مستی شراب از «سکاری» و اساس بودن آن در نظریه تحریم تدریجی

نظر مشهور جهان اسلام که قائل به نظریه حرمت تدریجی شراب هستند، بر این است که «سکاری» در آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ» به معنای مستی شراب است؛ چنان‌که مفسران اهل سنت، بعد از تصریح به تدریجی بودن حرمت خمر و اذعان به معنای مستی شراب در واژه «سکاری»، به استناد روایاتی از صحابه رسول الله ﷺ می‌گویند: این نهی از شرابخواری در وقت نماز پیش از تحریم شراب بوده است (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۹/۱ و ۵۱۳) و تا آنجا پیش رفته‌اند که فخر رازی در این خصوص ادعای اجماع می‌کند! (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶، ۸۵/۱۰)

همچنین علما و مفسران شیعه، همچون علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی که به تدریجی بودن حرمت شراب تصریح دارند، بر این باورند که سکر در آیه «سکاری» به معنای شرابخواری است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۲، ۱۱۷/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹:

۴۹۹/۲۳، ۳۲/۱۹ و ۳۳)



۲-۱-۱. دلایل اراده معنای مستی شراب از «سکاری» در نظریه تحریم تدریجی خمر

به دلایل زیر، آیه «سکاری» اساس شکل‌گیری نظریه تحریم تدریجی خمر است:

- ۱- قائلان به حرمت تدریجی خمر تصریح دارند که تدریجی بودن حرمت خمر در صورتی درست است که سکر در آیه «سکاری» به معنای مستی شراب باشد؛ چنان‌که علامه طباطبایی می‌نویسد: «إِنْ كَانَتْ الْآيَةُ نَاطِقَةً إِلَى سَكْرِ الْخَمْرِ». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۶)
- ۲- سکر خمر در آیه «سکاری» در صورتی صحیح است که این آیه پیش از آیه «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹) نازل شده باشد. (همان، ۳۵۹/۴، ۱۹۴/۲)

۳- برخی طرفداران نظریه تدریجی حرمت شراب ادعا می‌کنند که قراین قرآنی و روایی وجود دارد که معنای «سکاری» در این آیه، مستی شراب است؛ چنان‌که طبری وجود قرینه روایی از صحابه حضرت رسول ﷺ را دلیل ترجیح دیدگاه خود می‌داند (طبری، ۱۴۱۲: ۵: ۶۲) و فخر رازی بر این معنا ادعای اجماع کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۷/۱۰) و صاحب تفسیر تسنیم می‌نویسد: «اینجا قرینه بر سکر خمر وجود دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۰/۱۹) و گویا مرادش از قرینه، سیاق کلام و تعبیر «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» است. (نحاس، ۱۴۲۱: ۲۱۶/۱) استدلال آنها این است که انسان در زوال عقل با مستی شراب نمی‌داند چه می‌گوید؛ نه در خواب آلودگی.

۲-۱-۲. نقدی بر دیدگاه مرادبودن مستی شراب در معنای «سکاری»

بر نظریه تحریم تدریجی، از این زاویه که مراد از سکر در آیه «سکاری» مستی شراب باشد، اشکالاتی از این دست وارد است که ذکر خواهد شد:

۲-۱-۲-۱. تناقض محتوایی

اساسی‌ترین نقدی که بر دیدگاه مستی شراب در نظریه تحریم تدریجی وارد است، وجود تناقضات محتوایی در این دیدگاه است؛ درحالی که یک نظریه قرآنی باید افزون بر استحکام درونی، از هرگونه تضاد و تناقض محتوایی دور باشد و با مسلمات قرآن و روایات اختلاف نداشته باشد. (کریمی، ۱۳۹۸: ۲۱۲)

بیان تناقض به این است که طرفداران نظریه تحریم تدریجی، از طرفی تصریح می‌کنند که تدریجی بودن حرمت شراب در صورتی صحیح است که مراد از سکاری در آیه ۴۳ نساء به معنای مستی شراب باشد و برخی از آنها ادعای اجماع بر این معنا نموده‌اند و نیز

تصریح می‌کنند که به دلیل عقلی قانون تدریج، مطلق و مقید، و سیاق در آیه سکاری، این آیه باید پیش از آیه ۲۱۹ بقره نازل شده باشد، چراکه با تحریم دائمی و همه‌جانبه شرب خمر در سوره بقره، چه جای منع مستی شراب فقط در وقت نماز است!

و از طرف دیگر تصریح دارند که سوره بقره اولین سوره مدنی است و بر تقدّم نزول سوره بقره بر سوره نساء ادعای اجماع کرده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱) و بر این باورند که حرمت شراب قبل از هجرت بر اساس حکایت اعشی بن قیس و نیز در آیه ۳۷ سوره شوری از سور مکی اعلام شده است. افزون بر این، حرمت شراب به عنوان برترین و بارزترین مصداق اِثم محرم در آیه ۳۳ سوره اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ سوره بقره، در مکه قطعی و نص است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲، ۱۱۷/۶، ۶۲/۱۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸/۲، ۸۳/۱۱، ۲۳/۱۷، ۴۸۲/۱۸، ۸/۱۹، ۵۱۸/۲۳؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۷/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶، ۲۳۲/۱۴) آن‌گاه برای توجیه نظریه تحریم تدریجی می‌فرمایند که تحریم در آیه «سکاری» با مستی شراب، تحریم خاص و به صورت نصیحت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۹۹/۲۳)، اما تصریح به تحریم خاص و نصیحت در آیه «سکاری» دچار مشکلاتی است که در پی می‌آید.

اولاً این سخن رافع تناقض فوق نیست. چگونه می‌توان از سویی به حرمت دائمی و مطلق خمر بر اساس آیات مکی و آیه ۲۱۹ بقره باور داشت و از سوی دیگر در آیه «سکاری»، حرمت خاص را مقید به وقت نماز یا به صورت نصیحت پذیرفت؟

ثانیاً این سخن نقض صریح قانون عقلی تدریج است و به تعبیر علامه، با تدریجی که از این آیات استفاده می‌شود نیز منافات دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲) چگونه می‌شود مکی بن حموش و فخر رازی، با ادعای اجماع بر مستی شراب در معنای «سکاری»، به عدم حرمت خمر تا نزول آیه «سکاری» تصریح داشته باشند و در عین حال، با چندین سند ثابت کنند که شرب خمر در آیه ۲۱۹ سوره بقره و نیز در آیه ۳۳ سوره اعراف حرام شده است؟! (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۵/۱۰، ۳۹۶/۶، ۲۳۲/۱۴)

با وجود این تناقضات محتوایی، نتیجه قطعی این می‌شود که هم مستی شراب در آیه «سکاری» و هم نظریه تحریم تدریجی ادعای بدون دلیل است.



۲-۲-۱-۲. روایات مستند دیدگاه تدریجی مبنی بر اراده معنای مستی شراب از «سکاری»

و نقدی بر آن

به چند بیان که در پی می‌آید، روایاتی که بر مستی شراب در معنای «سکاری» دلالت دارند، قابل اعتنا نیستند:

۱- هیچ روایت صحیح تفسیری مبنی بر اراده معنای مستی شراب از «سکاری» در آیه ۴۳ نساء در تفاسیر شیعه و سنی نقل نشده است، تا آنجا که صاحب مجمع‌البیان بعد از نقل روایتی که «سکاری» را به معنای مستی شراب آورده، آن را تضعیف می‌کند و روایت مؤید معنای مستی خواب را تقویت و تأیید می‌نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳: ۸۰) بزرگان روایی تا بدانجا بر این نکته باور دارند که روایت صحیح در این باب را -بر فرض وجود- به دلیل تقیه‌ای بودن آنها، بی اعتبار می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱: ۶۸)، چنان‌که صاحب تفسیر کنزالدقایق روایت منقول از امام کاظم علیه السلام را به دلیل موافقت با عامه، حمل بر تقیه می‌کند و می‌نویسد: «محمولٌ علی التَّقِیَةِ لِأَنَّهُ مُوَافِقٌ لِمَذْهَبِ الْعَامَّةِ». (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/۳: ۴؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴۸/۲)

۲- روایاتی که بر اراده معنای مستی شراب در آیه «سکاری» دلالت دارند، مخالف آیات قرآن هستند و روایات مخالف با آیات به دلیل روایات عرض فاقد حجیت‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۱/۲۷)، چنان‌که علامه طباطبایی قول به مستی شراب براساس روایات را مخالف با قرآن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۱) و صاحب تفسیر تسنیم نیز این روایت (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۴۲) را مخالف با قرآن می‌داند و می‌گوید: «مقصود از نماز در حال سکر، نماز شخص کسل و خسته است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹/۵۹) و این در حالی است که در مقابل، روایات فراوان صحیح تفسیری و غیر تفسیری از حضرت رسول و ائمه معصومین علیهم السلام بر اراده معنای مستی خواب در آیه «سکاری» وجود دارد که خواهد آمد.

روایات در تفاسیر اهل سنت نیز فقط اجتهاد و نظر صحابه را در این خصوص بیان کردند که به دلیل اختلاف با قرآن، براساس روایات صحیح عرض از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اعتبار ندارند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۱/۲۷)

افزون بر این، روایات تفسیری در موضوع احکام فقط در صورتی حجت‌اند که از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده باشند (ر.ک: نحل: ۴۴، حشر: ۷، طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۶۱)، یا از امامان معصوم علیهم السلام روایت شده باشند؛ چراکه حدیث ثقلین به حجیت

قول و سنت معصوم اشاره دارد و تواتر حدیث ثقلین نیز میان شیعه و سنی مسلم است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۷۵/۶، ۱۳۳/۹؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۱) و مصداق اهل بیت در حدیث ثقلین به تصریح ابن ابی الحدید، ائمه معصوم علیهم السلام می‌باشند، اما هیچ آیه و نصی که دلالت بر حجیت مطلق سخن دیگر افراد از صحابه و تابعان و علما کند، وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۱/۱۲)

شاید کسی بگوید روایاتی را که در سخنان علمای شیعه مستند نظریه حرمت تدریجی خمر قرار گرفته‌اند، چه می‌کنید؟ توضیح مطلب اینکه سه روایت در کافی از امامین صادقین علیهم السلام نقل شده است که مضمونی نزدیک به هم دارند. برای نمونه، در یک روایت آمده است: «وَلَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا... وَلَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهْلَكُوا». (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۵/۶) هرچند علامه طباطبایی دو روایت از آن سه روایت را بدون هیچ توضیحی در رد یا پذیرش فقط نقل کرده (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۶/۶)، و آیت الله جوادی آملی با نقل هر سه روایت، از آنها به عنوان مستند روایی نظریه تدریجی استفاده کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹۵/۱۱)، اما واقعیت این است که برداشت از این روایات برای تدریجی بودن حرمت شراب با دلایل پیش رو نقد می‌شود:

۱- در این روایات، هیچ عبارتی به تدریجی بودن حرمت خمر به طور خاص صراحت ندارد، بلکه این روایات در پی بیان یک قاعده کلی است: خداوند متعال بنا بر رفق و مدارا با مردم، احکام شرعی را به یکباره بر بندگانش تکلیف نکرده است، بلکه آحاد احکام و تکالیف در یک شریعت به تدریج اعلام می‌شود؛ چنان‌که نزول تدریجی آیات قرآن و احکام تکلیفی آن در طی بیش از بیست سال، مؤید این مطلب است.

یکی از قراین بر صحت این برداشت، حدیث امام باقر علیه السلام است که فرمود: «لَيْسَ أَحَدٌ أَرْفَقَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَمِنْ رَفَقِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خَصْلَةٍ إِلَى خَصْلَةٍ وَلَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهْلَكُوا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۵/۶) و در پاورقی کتاب کافی ذیل روایت پیشین، لفظ تدریجی بودن «تکالیف» به کار رفته است، نه تدریجی بودن یک تکلیف؛ آنجا که می‌فرماید: «يَعْنِي إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِنَّمَا يَحْمِلُ التَّكْلِيفَ عَلَى الْعِبَادِ شَيْئًا فَشَيْئًا جَلْبًا لِقُلُوبِهِمْ» و شرح آیت الله جوادی آملی در خصوص احادیث فوق نیز قرینه دیگری بر صحت برداشت مقاله از این روایات است که می‌نویسد: «اگر خداوند همه احکام واجب، مستحب، حرام و مکروه را یکباره بر مردم تحمیل می‌کرد، هلاک می‌شدند». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹۶/۱۱)



۲- چگونه ممکن است از ذیل این روایات، تدریجی بودن حرمت شراب استفاده شود، درحالی که در صدر هر سه روایت، تصریح به حرمت دائمی خمر در ادیان آسمانی شده است؟! آیا حرمت دائمی خمر در ادیان آسمانی -ازجمله اسلام- و نیز تحریم آن با بعثت هر پیغمبری، چنان که در روایتی صحیح آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۳۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۱/۵)، با حلیت خمر تا نزول آیه «سکاری» که تفاسیر عامه به آن تصریح دارند، قابل جمع است؟ (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۲) توجه شود که حرمت خمر در اوایل بعثت رسول الله ﷺ اعلام شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۶) و این روایات صحیح، مقید و مقدم بر آن روایات مطلق‌اند.

۳- ظاهراً آن سه روایت در صدد تفکیک بیان اعلام حکم حرمت خمر در آغازین زمان هر شریعت با اجرای حد آن در زمان تکمیل آن، چنان که در اسلام به هشتاد تازیانه حکم شده، می‌باشد، که این روش تربیتی، افزون بر ایجاد انگیزه قوی در ترک، نوعی رفق و مدارا با مسلمان نیز بوده است، درحالی که اعلام هم‌زمانی حرمت مطلق شرب خمر با اجرای حد، با نزول آیه تحریم در نظریه تدریجی، خلاف مدارای تربیتی مورد انتظار آنان است. گویا شرب خمر برخی صحابه و اجتهاد آنان تا نزول آیه تحریم مؤید این مدعاست. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲)

۴- اگر ظاهر قسمتی از این روایات آن گونه باشد که طرفداران نظریه تدریجی از آن برداشت کردند، آن قسمت حمل بر تقیه می‌شود و روایات تقیه‌ای فاقد حجیت‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸/۱ و ۶۹) دلیل سخن آن است که هر سه شرط روایات تقیه‌ای در این دسته از روایات وجود دارد:

- این روایات مخالف آن دسته از آیات قرآنی‌اند که حرمت مطلق، دائمی و قطعی شراب را در مکه اعلام کرده است.

- این روایات مخالف روایات صحیحی می‌باشند که موافق و مؤید نظر قرآن‌اند؛ روایاتی که به حرمت خمر در اوایل بعثت، به‌عنوان اولین محرّمات الهی، تصریح دارند. برای نمونه، رسول الله ﷺ فرمود: شراب و بت‌پرستی، اولین محرّمات الهی در مکه بودند که خداوند مرا از آن نهی کرده است: «إِنَّ أَوَّلَ مَا نَهَانِي عَنْهُ رَبِّي ... شُرْبِ الْخَمْرِ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵)

- این روایات موافق با نظر عامه‌اند، چنان که روایت مجمع از امام کاظم علیه السلام به‌همین سبب حمل بر تقیه می‌شد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/۳؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴۸/۲)

۲-۱-۲. بطلان اجماعی بودن اراده مستی شراب در معنای «سکاری»

ادعای اجماع فخر رازی مبنی بر اراده معنای مستی شراب از «سکاری»، به چند دلیل رد می‌شود:

۱- بسیاری از علما و مفسران شیعه و سنی، براساس روایاتی صحیح، مستی خواب را نیز در تفسیر «سکاری» بیان کرده‌اند. (برای نمونه ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۶۲/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۳/۷) برخی فقط مستی خواب را به عنوان معنای «سکاری» ذکر کرده‌اند. (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۹/۱) فخر رازی چگونه می‌تواند ادعای اجماع کند، درحالی که خود ادعای خویش را نقض کرده و گفته است که ضحاک بن مزاحم مستی شراب را در معنای «سکاری» نفی کرده، «سکاری» را منحصر در مستی خواب می‌داند؟! (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۷/۱۰) قرطبی نیز براساس روایتی از رسول الله ﷺ، قول ضحاک را صحیح می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۱/۵)

۲- بعد از اعتراف فخر رازی به دلالت آیه ۲۱۹ سوره بقره بر حرمت دائمی شراب، نهی نسبت به وقت نماز در آیه ۴۳ سوره نساء در حالت مستی شراب، افزون بر اینکه با عقل و قانون مطلق و مقید ناسازگار است، با تدریج ادعایی ایشان نیز منافات دارد و این سخن از آن‌رو قابل توجه است که با ادعای اجماع سیوطی بر تقدّم ترتیب نزول آیه ۲۱۹ سوره بقره بر آیه ۴۳ سوره نساء (سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱)، اجماع ادعایی فخر رازی نادرست است.

۲-۱-۲. نبود قرینه بر اراده مستی شراب در معنای «سکاری»

این گفتار که در آیه «سکاری» قرینه‌ای بر اراده مستی شراب وجود دارد و آن عبارت است از «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»، به دلایل زیر نقد می‌شود:

۱- این ادعا که انسان فقط در زوال عقل با مستی شراب نمی‌داند چه می‌گوید؛ نه در خواب‌آلودگی، خلاف روایات و نظر مفسران است؛ چون نص صریح روایتی از حضرت رسول الله ﷺ که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند، این است که با خواب‌آلودگی نماز نخوانید، مبدا به جای استغفار، خودتان را دشنام دهید (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۴۹۵/۲؛ ابن‌ماجه، ۱۳۹۵: ۴۳۶/۱؛ نیشابوری، ۱۴۰۷: ۲۱۲/۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۲۳/۳)

صحت این روایت از رسول الله ﷺ با روایات صحیح تفسیری از امامان معصوم علیهم السلام تأیید می‌شود؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «با حالت خواب‌آلودگی و سنگینی خواب نماز را برپای ندارید و مراد الهی از سکاری در آیه، مستی خواب است». (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۳)



۲- «سُکر» در لغت به معنای ضد هوشیاری و به معنای بستن سرچشمه آب است و مراد از سکر، حالتی است که بین آدمی و عقلش فاصله می‌شود. (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ۳۰۹/۵؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۸۹/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۴۱۶) این وضعیت به مستی شراب اختصاص ندارد، بلکه مستی خواب نیز باعث بسته شدن مجاری ادراکی و ازکارافتادگی آن می‌شود و در خواب‌آلودگی نیز آدمی نمی‌داند که چه می‌گوید. (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹: ۳۲۷/۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۳)

۳- بر فرض که قرینه بودن «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» را بر اراده معنای مستی شراب بپذیریم، این برداشت و استنباط از ظاهر آیه است که در تعارض نص و ظاهر، نص مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۶۲/۱)، به این بیان که روایات صحیح تفسیری نص در این نکته‌اند که مراد از «سکاری» در آیه مستی خواب است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۳-۳۷۱)؛ تا آنجا که امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «أَنَّ الْمَرَادَ بِهِ سُكْرُ النَّوْمِ خَاصَّةً» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/۳) و تقدم نص روایی بر ظاهر قرآن از ضروریات مذهب شیعه است. (انصاری، ۱۴۰۷: ۵۸/۱)

۴- مفسران بر این باورند که اراده معنای مستی شراب در این آیه در صورتی صحیح است که آیه «سکاری» پیش از آیه ۲۱۹ سوره بقره نازل شده باشد؛ چون تحریم شراب، براساس آیه ۴۳ نساء، خاص و مقید به وقت نماز است و باید پیش از آیه ۲۱۹ بقره -که تحریم براساس آن مطلق و همه‌جانبه است- نازل شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲، ۳۵۹/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۱/۱۹، ۴۹۹/۲۳) و با فقدان شرط، ارجاع معنای «سکاری» در آیه به مستی شراب صحیح نیست؛ چراکه عقل نمی‌پذیرد شرب خمر در آیات مکی و در آیه ۲۱۹ سوره بقره که به اجماع اولین سوره مدنی است، حرام دائمی شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۶، ۶۲/۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶، ۲۳۲/۱۴؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۷/۴)، ولی در آیه ۴۳ سوره نساء که ششمین سوره مدنی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳/۱۷)، حرمت شراب، خاص، مقید و مختص به وقت نماز گردد؛ که افزون بر نقض قانون تدریج، نقض حکم مطلق و مقید و عام و خاص نیز است و آیه ۲۱۹ بقره، از آیات استثنایی سوره بقره نیست که بعداً نازل شده باشد. (همان، ۳۸/۲-۴۰)

۲-۲. مرادبودن مستی خواب در معنای «سکاری» و دلایل اثبات آن در نظریه حرمت دفعی شراب

چنان‌که بیان شد، سکر در لغت ضد هوشیاری و بستن جریان آب است و مراد از آن، حالتی است که مانع درک و فهم عقل می‌شود و دارای استعمالاتی همچون مستی شراب و مستی خواب است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۸۳/۱) و مراد از «سکاری» در آیه شریفه ۴۳ نساء، نیازمند قرینه است و قبلاً بیان شد که نه‌تنها هیچ قرینه‌ای بر اراده مستی شراب وجود ندارد، بلکه به دلایلی که می‌آید، مراد از آن، مستی خواب است.

۲-۲-۱. دلیل قرآنی

برخی قرآن‌پژوهان بر این باورند که آیات قرآن برای بازداشتن افراد از برخی عادات ناشایست، گاهی از روش اجمال‌گویی و تفصیل استفاده کرده، و گاهی از روش تدریج بهره‌جسته (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۸: ۸۹۳/۱۷)، ولی در موضوع تحریم شراب، برخی مفسران همچون علامه طباطبایی و مکی‌بن حموش، باوجود تصریح به تدریجی بودن حرمت شراب، قائل‌اند آیات قرآن، نص است که شراب در مکه حرام شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۲، ۱۳۵/۶؛ مکی‌بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۷/۴)

حرمت شرب خمر در آیه ۲۱۹ سوره بقره و نیز با واژه «اِثم» در آیات مکی مانند آیه ۳۳ سوره اعراف، به‌انضمام آیه ۲۱۹ بقره به‌طور مطلق برای همه حالات آمده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲، ۱۳۵/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸۳/۱۱؛ مکی‌بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴) مؤید این بیان، روایات صحیح تفسیری در تفسیر آیات مکی است که شرب خمر را مصداق کامل اِثم و «أكبر الكبائر» معرفی کرده‌اند. (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵-۳۰۴/۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۵۲/۹)

بدین ترتیب، بعد از نهی مطلق و همه‌جانبه شرب خمر در آیات مکی (نجم: ۳۲؛ اعراف: ۳۳؛ شوری: ۳۷)^۲ و نیز در اولین سوره مدنی (بقره: ۲۱۹)، حرمت مجدد آن با نهی خاص به هنگام نماز در آیه «سکاری» (ششمین سوره مدنی) عقلاً جایز نیست و مخالف با قانون تدریج و مطلق و مقید است. پس تنها چاره این است که قائل به معنای مستی خواب برای «سکاری» شویم. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲، ۳۵۹/۴) در ادامه، کیفیت دلالت آیات مکی پیش‌گفته بر حرمت شراب پیش از هجرت به‌اختصار بیان می‌شود.



الف) آیه ۳۳ سورة اعراف: در این آیه به حرمت شرب خمر تصریح شده و از آن به «اثم» تعبیر شده است. کاربرد اثم به جای شراب در صدر اسلام و پیش از آن رواج داشته است، چنان‌که در اشعار «شَرِبْتُ الْإِثْمَ» و «نَشَرَبُ الْإِثْمَ» آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۳۰/۴؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۹۰/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۴/۴، ۵۵۸/۲؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۳۰۵/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۱/۷؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۹۵/۲؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۱۴؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۵۰۵/۱)

با توجه به اینکه آیات قرآن همدیگر را تفسیر و تبیین می‌کنند: «إِنَّ الْكِتَابَ يَصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۶۱/۱۸)، آیه ۳۳ سورة اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ سورة بقره که شرب خمر را «اثم کبیر» نامیده است، تحریم شرب خمر را اعلام می‌کند، چنان‌که در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۶/۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۰۱/۹)

حکایات تاریخی، نظیر اعشی بن قیس (ابن هشام، ۱۴۰۷: ۲۸/۲) و ابوجهل (ابن جبان، ۱۳۹۳: ۶۹/۱) و دلایل عقلی (برزگر شانی، ۱۴۰۱: ۱۵۹) و شواهد لغوی و اشعار جاهلی و تصریح مفسران شیعه و سنی، به عنوان مؤید، تأیید می‌کنند که شراب چه به وضع ثانوی و تعینی با استعمال عرفی در معنای اثم، و چه به عنوان مصداق تام و کامل اثم بر اساس آیه ۲۱۹ سورة بقره در مکه حرام شده است. و روایات صحیح تفسیری که شراب را «أكبر الكبائر» و مصداق کامل اثم معرفی کردند، دلالت دارند که آیه ۳۳ سورة اعراف، با تصریح مفسران، بر حرمت شراب صریح و نص است (مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۷/۴)، چنان‌که علامه طباطبایی می‌نویسد: «فَالْكِتَابُ نَصٌّ فِي تَحْرِيمِ الْخَمْرِ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَ الْهَجْرَةِ». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۶)

نص بودن آیات قرآن در حرمت شراب در مکه براساس آیه ۳۳ سورة اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ سورة بقره، مانند نص بودن آیات قرآن در کمترین مدت بارداری در شش ماه براساس آیه ۱۵ سورة احقاف به انضمام آیه ۱۴ سورة لقمان است. همچنان‌که شکی در نص بودن کمترین مدت بارداری در شش ماه براساس این آیات باقی نمی‌ماند، همچنین شکی در نص بودن حرمت شراب در مکه براساس آیه ۳۳ سورة اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ سورة بقره نیز وجود ندارد.

ب) آیات ۳۲ نجم و ۳۷ شوری و دلالت آنها بر حرمت شراب در مکه

– «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ» (نجم: ۳۲)

«وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ» (شوری: ۳۷)

یکی از مصادیق «کَبَائِرَ الْإِثْمِ» در این دو آیه شرب خمر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۲/۱۸) دلالت این دو آیه بر تحریم شرب خمر در مکه، اضافه بر إثم بودن شرب خمر براساس آیه ۲۱۹ سوره بقره، با مفهوم اولویت نیز ثابت است؛ به این بیان که آیه ۲۱۹ سوره بقره از شرب خمر به «إثم کبیر» یاد کرده است و پیامبر ﷺ و امام جواد علیه السلام در روایات صحیح تفسیری، «کَبَائِرَ الْإِثْمِ» در این دو آیه را شرب خمر دانسته و از آن به «اکبر الکبائر» یاد کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۹/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۵۲/۹؛ همو، ۱۴۰۴: ۱۰/۴۵-۶۱؛ شتیطی، ۱۴۲۷: ۱۲۸/۷) افزون بر این، براساس روایتی صحیح که رسول الله ﷺ شرب خمر را برترین مصداق إثم دانسته‌اند: «إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۳/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲۵)، حرمت شراب در مکه قطعی است. قابل توجه اینکه اخبار در معنای نهی در این آیات بلیغ‌تر از نهی صریح است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۱) و با تأکید بیشتر، دلالت بر نهی و تحریم می‌کند. (آخوند خراسانی، ۱۴۱۵: ۹۲)

۲-۲-۲. روایات تفسیری

در بیشتر تفاسیر شیعه و سنی، از جمله در روایتی صحیح از امام باقر علیه السلام، معنای مستی خواب برای «سکاری» ذکر شده است. (نوری، ۱۴۰۸: ۸۳/۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۳۵۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۶۹/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۵۳/۱) حتی تفاسیر قمی و البرهان فقط مستی خواب را به‌عنوان معنای «سکاری» ذکر کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۹/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۱/۲) و مفسران زیادی از قول ضحاک بن مزاحم، معنای «سکاری» را منحصر در این معنا می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۶/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶۲/۵)، چنان‌که ثعلبی همین انحصار معنایی را با دو روایت از رسول الله ﷺ از مسند احمد تقویت کرده است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۳)

همچنین فخر رازی چند دلیل از ضحاک بن مزاحم برای اثبات اینکه مراد از «سکاری» مستی خواب است، نقل می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۷/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۷۳/۲) همین معنای انحصاری از امام باقر علیه السلام روایت شده است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۲/۱) و نیز مرحوم طبرسی، با نقل همین روایت از امام باقر علیه السلام، آن را با روایتی از رسول الله ﷺ تقویت کرده و می‌نویسد: «أَنَّ الْمُرَادَ بِقَوْلِهِ وَأَنْتُمْ سُكَارَى سَكْرَ التَّوَمِ خَاصَّةً عَنِ الضَّحَاكِ وَرُوى ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَعْبُضُ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ عَائِشَةُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۳)



و نیز امام باقر علیه السلام در روایتی صحیح، مراد از «سکاری» را مستی خواب دانسته است: «وَهُمْ سُكَارَىٰ يَعْنِي سُكْرُ النَّوْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۹۹) برخی مفسران احتمال داده‌اند که عبارت «يَعْنِي سُكْرُ النَّوْمِ» در تفسیر «وَهُمْ سُكَارَىٰ» از راوی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۱)، ولی بعید نیست که چنین نباشد. گویا روایت صحیح تفسیری از امام صادق علیه السلام که فرمود: «فَقَالَ: سُكْرُ النَّوْمِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۷۱) ثابت می‌کند که جمله «يَعْنِي سُكْرُ النَّوْمِ» از امام است. آیت‌الله جوادی آملی نیز همین برداشت را دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶/۱۹)

همچنین علامه طباطبایی مراد از آیه را براساس روایاتی از امام باقر و امام صادق علیه السلام و نیز از رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم به نقل از صحیح بخاری، مستی خواب دانسته است و می‌گوید: «قول به مستی شراب در آیه «سکاری» محذور عقلی داشته، مخالف قرآن است». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۱، ۶/۱۱۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/۳۸)

بدین ترتیب و بعد از اثبات مستی خواب در معنای «سکاری»، و نفی معنای مستی شراب، این آیه به دلالت منطوقی از موضوع شراب خارج است و به حکم فقهی شرابخواری، چه حکم تحریمی و چه حکم تجویزی، متعرض نشده است: «فَالْآيَةُ لَا تَعْرُضُ لَهَا لِحُكْمِ الْخَمْرِ رَخْصَةً أَوْ تَحْرِيمًا». (خویی، ۱۴۳۰: ۱/۳۳۴)

با این بیان، آیه «سکاری» فقط در صدد بیان بطلان حکم فقهی نماز با مطلق مستی است؛ به این معنا که اعاده نمازی که با حال مستی خوانده شده، به‌اجماع واجب است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۳/۲۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۸۲) بدیهی است بطلان نماز با مستی خواب، به‌طریق اولی، بطلان نماز با مستی شراب را نیز شامل می‌شود.

نتیجه سخن آنکه روایات صحیح تفسیری نص بر این نکته‌اند که مراد از «سکاری» در آیه ۴۳ نساء، مستی خواب است و این معنای برآمده از روایات، مقدم بر معنای مستی شراب است که از ظاهر آیه استنباط می‌شود، چون تقدم روایتی که نص باشد بر ظاهر قرآن، از ضروریات مذهب شیعه است. (انصاری، ۱۴۰۷: ۱/۵۸)

۲-۲-۳. دلایل عقلی

حرمت شرب خمر در مکه با چند دلیل عقلی پیش‌رو، صحت اراده مستی خواب در معنای «سکاری» بنا بر نظریه تحریم دفعی شرب خمر و نفی معنای مستی شراب را به اثبات می‌رساند؛ با این توضیح که قبلاً ثابت شده درصورت حرمت مطلق شراب قبل از آیه «سکاری»، مستی شراب در آیه «سکاری» صحیح نخواهد بود.

الف) قیاس منصوص‌العله: از انضمام آیه ۱۴۵ سوره انعام (از سور مکی) با آیه ۹۰ سوره مائده، حرمت شرب خمر در مکه استنباط می‌شود، زیرا:

۱- با وحدت ملاک حکم تحریم در این دو آیه، با توجه به حجیت قیاس منصوص‌العله (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۷۸/۳؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۰: ۱۰۰/۱؛ کراجکی، بی‌تا: ۲۲۶/۲)، حرمت شرب خمر اثبات می‌شود. توضیح سخن این است که در آیه ۹۰ سوره مائده، رجس بودن خمر علت تحریم آن دانسته شده است، چنان‌که در آیه ۱۴۵ سوره انعام، علت تحریم مردار، خون و گوشت خوک، رجس بودن آنها معرفی شده است. با توجه به اینکه قیاس منصوص‌العله حجیت شرعی دارد، می‌توان نتیجه گرفت که شرب خمر همچون استفاده از مردار و خون و گوشت خوک، در مکه حرام شده است.

۲- براساس آیه ۹۰ سوره مائده، شرب خمر در کنار بت‌پرستی حرام شده است. (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۸: ۸۱۲/۱۷) از آنجا که تحریم بت‌پرستی در مکه پیش از هجرت براساس آیات ۳۱-۳۲ اسراء و سوره کافرون و روایات صحیح (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲) و شواهد تاریخی امری بدیهی است و ملاک تحریم حکم در آنها یکی است، بنا بر حجیت قیاس منصوص‌العله، عقل حکم می‌کند که حرمت شرب خمر نیز در مکه اعلام شده است.

ب) نجاست شراب: علما و فقهای شیعه برای حکم به نجس بودن خمر به آیه ۹۰ سوره مائده استدلال کرده‌اند: «استدل أصحابنا القائلون بنجاسة الخمر بهذه الآية» (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۵۲/۱)؛ چراکه آیه به رجس بودن شراب صراحت دارد: «إِنَّمَا الْخَمْرُ ... رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» و رجس در فرهنگ قرآنی به‌معنای قَدَر، نجاست و پلیدی است. (جوهری، ۱۳۶۸: ۸۷۸/۲-۹۳۳)

بنابراین شراب براساس آیه شریفه نجس است و از آنجا که خوردن و شرب نجاست به اجماع همه مسلمانان حرام است، شرب خمر به دلیل نجاست آن حرام است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۷/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۹/۱۳) پس شراب به دلیل نجاست ذاتی آن در مکه حرام شده است. از سوی دیگر، احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی‌اند (نائینی، ۱۳۷۶: ۶۲/۳؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۱۹۹)، پس حکم حرمت خمر نیز مربوط به مکه است. و از نظر عقلی، تفکیک میان نجاست خمر در مکه و عدم حرمت شرب آن در نظریه تدریجی معنا ندارد و خلاف نص صریح قرآن، روایات و اجماع مسلمین است.



با اثبات حرمت دائمی و همه‌جانبه شرب خمر پیش از هجرت با دلایل عقلی و نقلی پیش‌گفته، حرمت مجدد شراب با نهی خاص در آیه «سکاری» با مستی شراب که مختص به وقت نماز باشد، عقلاً جایز نیست و مخالف با قانون تدریج، مطلق و مقید و نیز مخالف آیات قرآن است و چاره‌ای جز این نیست که مراد از «سکاری» در آیه را مستی خواب بدانیم.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار تبیین شد، مطالب زیر نتیجه می‌شود:

۱- بعد از اثبات مرادبودن مستی خواب و نفی اراده مستی شراب در معنای «سکاری» در آیه ۴۳ سوره نساء، ثابت شد که این آیه نسبت به شراب و حکم فقهی آن خروج موضوعی دارد. این آیه فقط در صدد بیان بطلان حکم فقهی نماز با هرگونه مستی است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۸/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲/۳) پس بطلان نماز با مستی خواب، به‌طریق اولی مستی شراب را نیز شامل می‌شود.

۲- در آیه ۲۱۹ سوره بقره از شراب به «اثم کبیر» یاد شده است و روایات صحیح، شراب را کامل‌ترین مصداق اثم و «اکبر الکبائر» در آیات مکی اعراف: ۳۳، نجم: ۳۲ و شوری: ۳۷ معرفی کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۹/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۵۲/۹؛ شنقیطی، ۱۴۲۷: ۱۲۸/۷) همچنین با مؤیدات صحیح روایی، عقلی و لغوی، و تفکیک‌ناپذیری نجاست شراب با عدم حرمت شرب آن و حجیت قیاس منصوص‌العله، حرمت دائمی شراب در مکه ثابت شد و حرمت مطلق شراب در سوره‌های مکی در همه حال، به‌طریق اولی از مستی شراب در حالت نماز نیز نهی می‌کند.

۳- بعد از نقد معنائگاری مستی شراب برای «سکاری» در آیه ۴۳ سوره نساء و اساس بودن آن در نظریه تدریجی، با دلایل چهارگانه ثابت شد که نظریه تحریم تدریجی شراب به‌دلیل مخالفت با قرآن و نیز به‌سبب تناقض محتوایی صحیح نیست؛ چون بعد از نهی دائمی شرب خمر در آیات مکی و آیه ۲۱۹ سوره بقره -که در نظریه تدریجی به آن تصریح شده است- (مکی‌بن‌حموش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶۷/۶، ۱۴: ۲۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲، ۱۳۴/۶، ۶۲/۱۸)، حرمت مجدد با نهی خاص فقط در وقت نماز در آیه ۴۳ سوره نساء خلاف قانون عقلی تدریج و نادیده‌انگاری قانون مطلق و مقید است.

۴- بعد از اثبات نادرستی اراده مستی شراب در آیه «سکاری»، ثابت شد که شأن نزول‌های ساختگی در تفاسیر عامه در تحریم تدریجی، در نسبت شراب‌خواری به امام

علی علیه السلام (مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۱۳۳۸/۲)، افزون بر ضعف سندی و اختلاف شدید در مضمون (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱۱۶/۲)، با توجیه ناصواب عدم حرمت شراب تا نزول آیه ۴۳ سوره نساء، خروج موضوعی از این آیه دارد. اساساً این شأن نزول‌ها و بالتبع طرح اولیه نظریه حرمت تدریجی در تفاسیر عامه، تنها راهی برای گریز از اعتراف به فسق برخی صحابه معروف بوده است (ابن عابدین، ۱۴۲۳: ۳۳/۱۰) و این جمله معروف خلیفه دوم: «انتهینا انتهینا؛ دست از این عمل (شرابخواری) برداشتیم» و پیوستگی شرب خمرش تا نزول آیه تحریم، در تفاسیر عامه مشهور است. (ماوردی، بی تا: ۴۸۹/۱؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲)

۵- این روش تربیتی اسلام در تفکیک میان اعلام حکم حرمت شراب در مکه و تأخیر چندین ساله اجرای حد شرب خمر در مدینه در نظریه دفعی با مستی خواب در آیه «سکاری»، افزون بر ایجاد انگیزه قوی در ترک و اتمام حجت شرعی، نوعی رفق و مدارا با مسلمانان نیز بوده است.

۶- ازجمله آثار مترتب بر اثبات دیدگاه اراده مستی خواب در نظریه حرمت دفعی شراب، اضافه بر دستیابی به نظریه درست قرآنی، توجیه ناپذیری شرابخواری برخی صحابه در مدینه است.

پی‌نوشت‌ها

۱- اصل اجماع ناصواب عدالت همه صحابی برخلاف نص صریح قرآن کریم است؛ چون قرآن کریم در آیات زیادی -ازجمله آیه اول سوره منافقون- نص دارد که برخی صحابه منافق بودند و در آیه ۳ سوره منافقون می‌فرماید منافقان کافرند. همچنین در آیات ۵۳ و ۵۴ سوره توبه در وصف منافقان می‌فرماید آنها فاسق و کافرند، و در آیات ۶۷ و ۶۸ همین سوره -بعد از تصریح به فاسق بودن منافقان- وعده خلود منافقان در جهنم را همراه با کفار می‌دهد.

همین منافقان فاسق، دروغگو، کافر و اهل خلود در جهنم، برخی جزء صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم براساس آیات ۱، ۷ و ۸ سوره منافقون بودند که شیعه و سنی در شأن نزول آن درباره عبدالله بن ابی اتفاق نظر دارند. طبری می‌گوید: «کل ۸ آیه اول سوره منافقون در شأن عبدالله بن ابی سرکرده منافقان در مدینه نازل شده است.» فخر رازی می‌گوید: «این واقعه درباره عبدالله بن ابی، سرکرده منافقان در غزوه بنی المصطلق، رخ داده است.» سیوطی نیز به نقل از بخاری، مسلم، سنن ترمذی و نسائی، شأن نزول آن را درباره عبدالله بن ابی، سرکرده منافقان نقل کرده است. با توجه به منافق بودن برخی صحابه و فاسق، دروغگو، کافر و اهل خلود بودن آنها



در جهنم، آیا اجماع عدالت همه صحابه نزد اهل سنت - که مخالف نص صریح قرآن است - جایگاهی دارد؟!

۲- به ترتیب بیست و سومین، سی و نهمین و شصت و دومین سوره مکی. (زرکشی، ۱۳۹۱: ۱۹۳/۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱۳۶/۱)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۵ق)، کفایة الاصول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴. ابشهی، محمدبن احمد (۱۴۰۱ق)، المستطرف فی کل فن مستطرف، بیروت: دارالقلم.
۵. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۶. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسين.
۷. ابن جبان، محمد (۱۳۹۳ق)، الثقات، تحقیق زهران، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
۸. ابن عابدین، محمدامین (۱۴۲۳ق)، رد المحتال علی الدر المختار شرح تنویر الابصار، تحقیق شیخ عادل، ریاض: دار عالم الكتب.
۹. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحرير و التنویر، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۱۰. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الكتب العلمیه.
۱۲. ابن ماجه، محمدبن یزید (۱۳۹۵ق)، سنن ابن ماجه، بی جا: إحياء التراث العربی.
۱۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
۱۴. ابن هشام، محمد عبدالملک (۱۴۰۷ق)، السیره النبویه، بیروت: دارالجليل.
۱۵. ابن أبی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم: کتابخانه آية الله مرعشی.
۱۶. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶)، أمالی، تهران: کتابچی.
۱۷. انصاری، مرتضی (۱۴۰۷ق)، فرائد الاصول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۸. ایروانی نجفی، مرتضی و شاه پسند، الهه (۱۳۹۰)، «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر»، آموزه های قرآنی، شماره ۱۴، ص ۳-۳۰.
۱۹. برزگر شانی، یعقوب (۱۴۰۱)، «نظریه حرمت دفعی خمر از نگاه قرآن و روایات»، رساله دکتری، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۲۰. بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.
۲۱. بیهقی، احمدبن حسین (۱۴۲۴ق)، السنن الکبری، بیروت: دار الكتب العلمیه.
۲۲. ثعلبی نیشابوری، احمدبن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم، قم: إسرائ.

۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸ق)، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۲۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۷. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۸. خصیصی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الکبری، بیروت: البلاغ.
۲۹. خوانساری، آقا جمال محمد بن حسین (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، تحقیق حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه آثار الامام الخوئی.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، قم: طلیعة النور.
۳۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳۳. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۹۱ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۵. زمخشری، محمود (۱۴۱۲ق)، ربیع الابرار و نصوص الاخیار، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۸۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۷. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۸. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۳۹. شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین.
۴۰. شنقیتی، محمد امین (۱۴۲۷ق)، أضواء البیان، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۱. شیخزاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹ق)، حاشیة محی الدین شیخزاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳)، شرح اصول الکافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۴۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۸. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۹. علی میری، نساء (۱۳۹۵)، «حلیت یا حرمت ابتدایی شرب خمر از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت»، پایان نامه سطح ۳، مدرسه قاسم بن الحسن.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، التفسیر، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
۵۱. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، مکاشفة القلوب المقرب إلى علام الغیوب، بیروت: دارالمعرفة.



۵۲. فاضل مقداد (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی.
۵۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۵۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۵۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۵۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۵۹. کاشف الغطاء، علی بن محمدرضا (۱۴۱۰ق)، مصادر الحكم الشرعی و القانون المدني، بغداد: مطبعة الآداب.
۶۰. کریمی، مصطفی (۱۳۹۸)، «فرایند نظریه پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی»، دوفصلنامه علمی مطالعاتی قرآن و حدیث، شماره ۲۵، ص ۱۸۹-۲۱۷.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، قم: دارالحدیث.
۶۳. کراجکی، محمد بن علی (بی تا)، گنجینه معارف شیعه امامیه، ترجمه کتاب کنز الفوائد و التعجب، تهران: چاپخانه فردوسی.
۶۴. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳)، رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۶۵. مازندرانی، محمد هادی (۱۴۲۹ق)، شرح فروع الکافی، قم: دارالحدیث.
۶۶. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶۸. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (ط - القدیمة)، قم: مؤسسة فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۶۹. مظفر، محمدرضا (۱۳۶۸)، اصول الفقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، التمهید، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۷۱. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیه.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۴. مکی بن حموش (۱۴۲۹ق)، الهدایة إلى بلوغ النهایة، امارات: جامعة الشارقة.
۷۵. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، فوائد الأصول، قم: جامعه مدرّسین.
۷۶. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۷۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۰۷ق)، صحیح مسلم، بیروت: مؤسسة عزالدین.
۷۹. واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۸)، المعجم فی فقه القرآن و سرّ بلاغته، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.